

مقاله‌نامه

گیاه مردم‌شناسی

یونس شاه حسینی*

تاریخ دریافت: ۸۳/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۴/۷/۱۴



چکیده

کشور ایران یکی از نخستین مراکز کشاورزی و باغداری جهان است. کشت و اهلی کردن بسیاری از گیاهان میوه‌ها و سبزی‌ها، شناسایی و استفاده از گیاهان دارویی و صنعتی، آبرسانی و آبیاری و اختراع کاربرد (قنات) بخش کوچکی از دستاوردهای فرهنگی ایرانیان در زمینه‌ی کشاورزی و باغداری می‌باشد.

غلیبرغم این پیشینه‌ی گرانبها و طولانی و سرآمد بودن مردم ایران در زمینه‌ی کشاورزی، باغداری و گیاهان دارویی و صنعتی، متأسفانه بسیاری از این مسایل نه تنها برای قاطبه‌ی روشنفکران و دانشگاهیان ما بلکه برای مردم‌شناسان و مردم‌نگاران و مهندسان و استادان دانشکده‌های کشاورزی، بیگانه و ناشناخته است و یا برای آن اهمیت و ارزش خاصی قایل

نیستند.

نگارنده‌ی این سطور بنا به توصیه‌ی استاد ارجمند، جناب آقای دکتر فرهادی با جستجوی فراوان در بین مجله‌های مختلف علمی و فرهنگی که طی سال‌های اخیر چاپ و منتشر گردیده‌اند؛ تنها توانسته است به ۱۳ مقاله در این زمینه دست یابد که در ادامه‌ی این نوشته چکیده‌های از مقاله‌های مزبور آمده است.

با توجه به پیشینه مردم ایران در زمینه‌ی کشاورزی و باغداری و با عنایت به رویکرد جدید در زمینه‌ی شناخت و کاربرد دانش‌های بومی و روستاییان در محافل علمی، پژوهشی و اجرایی کشور، امیدواریم که فرهنگ نوشتاری نیز در این زمینه و گسترش یابد، در غیر این صورت بسیاری از اطلاعات ارزشمند در زمینه‌ی دانش‌های بومی مردم در خصوص کشاورزی، باغداری، گیاهان صنعتی و دارویی به بوته‌ی فراموشی سپرده خواهد شد.

۱- الفت میری، حمیدرضا. گزارش مقدماتی کشت بذر بادام دیم بر روی پایه‌ی گون. نمایه‌ی پژوهش، سال سوم، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۷۲-۷۵.

گون، گیاه خاردار از تیره‌ی بقولات است که وجود آن در مراتع نشانگر چرای مفراط دام و برهم خوردن تعادل میان دام و مرتع می‌باشد. و شاخصی است که سیر قهقه‌رایی مرتع را به نمایش می‌گذارد. مع الوصف این گونه‌ی گیاهی، ارزش بسیار زیادی به لحاظ حفاظت خاک در برابر فرسایش آبی و بادی دارد و در پاره‌ای نقاط ایران به خصوص رشته کوه‌های زاگرس از برخی گونه‌های این گیاه با عمل تیغ زنی، ماده‌ی با ارزش کتیرا استحصال می‌گردد. لیکن در این مقاله روشی ارایه می‌گردد که با آن می‌توان استفاده دیگری از گون به عمل آورد و به زبان دیگر نوع استفاده معمول این گونه‌ی با ارزش را تغییر داد.

با کشت بذر بادام معمولی بر روی پایه‌های گون یا در واقع سیستم ریشه‌ای گون به ظاهر برخی نقایص هر دو را می‌توان بر طرف کرد. یعنی می‌توان حساسیت گونه‌ی بادام

به محدودیت عمق و زهکش خاک را مرتفع و مقاومت درخت را در برابر خشکی ارتقا داد و در عوض از پایه‌های گون طبیعی استفاده‌ی اقتصادی بیشتری به عمل آورد.

۲- پاپلی یزدی، محمدحسین. پیامدهای سیاسی، اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال چهارم، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۶۸، صص ۵-۳۴.

در بلوچستان نخل و خرما جزئی از فرهنگ و زندگی روزمره‌ی بلوچ‌ها است. قسمت‌های مختلف نخل از برگ تا ریشه، هر کدام در فرهنگ، صنایع دستی، ساخت وسایل کشاورزی، ساختمان سازی تهیه‌ی انواع غذا و تهیه‌ی وسایل مورد نیاز دامداری و غیره جای ویژه‌ای دارد. بلوچستان بدون خرما بلوچستان دیگری است. در این مقاله با اشاره به شیوه‌ی سنتی حاصل خیز کردن و آباد کردن زمین‌های حاشیه‌ی رودخانه‌ها و استفاده از سیلاب برای زراعت و نخلداری، ۳۳ نوع خرما را که در این منطقه بدست می‌آید، نام برده است و آن را نشانه‌ی اهمیت محصول خرما در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم ناحیه دانسته است. همچنین در این مقاله با تشریح قسمت‌های مختلف درخت خرما، ابزار، وسایل و غذاهایی که مردم از این درخت و محصول آن تهیه می‌نمایند، توضیح داده شده است. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در انتهای مقاله به علل و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جایگزینی نخلستان‌ها توسط درختان دیگر از جمله موز و مرکبات پرداخته شده است.

۳- پاپلی یزدی، محمدحسین. جلالی، عباس. گردو. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال دهم، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۷۴، صص ۳-۳۶.

مسایل روستایی، مسایلی بسیار پیچیده و ژرف است که بیشتر آن‌ها در ساختار اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی روستاها رسوخ کرده و به صورت جزئی از اجزای زندگی و نوع معیشت روستایی در آمده است. «گردو» یکی از محصولاتی است که

گذشته از اهمیت کشاورزی و اقتصادی آن، در برخی از مناطق خراسان به صورت یک عامل مهم فرهنگی - اجتماعی در آمده است و عمر دراز درخت گردو و قدمت این درخت باعث شده که گردو نقش فرهنگی و اجتماعی فراوانی ایفا نماید.

همچنین جمع‌آوری محصول، احتیاج به نیروی انسانی نسبتاً زیاد و در زمانی محدود دارد. این امر موجب ایجاد فعالیت‌های ویژه‌ی اجتماعی از جمله یابوری‌های سنتی شده است. علاوه بر این‌ها موجب یک سری روابط ارثی و سیستم سهم‌بری و خرد شدن مالکیت حتی برای یک درخت گردیده است.

در این مقاله با اشاره به ویژگی‌های عمومی درخت گردو و شیوه‌های کاشت این درخت و گونه‌های گردو، تأثیر این درخت در حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردم مناطق گردو خیز خراسان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴- تحقیقی تبارکانی، سیدرضا؛ وجدانی، بهروز. نگاهی به پیشینه‌ی مازاری در شهر یزد. مجموعه مقالات مردم‌شناسی، شماره‌ی سوم، ۱۳۶۶، صص ۲۶۷-۳۰۰.

فن استفاده از گیاهان جهت درمان بیماری‌های شایع و بومی و به کارگیری در پدیده‌های صنعتی به عنوان یک سنت معتبر و شناخته شده‌ی ایرانی از قدمت بسیار طولانی برخوردار است و به عنوان یکی از طرق اصلی مبارزه با بیماری‌ها و تهیه رنگ‌های طبیعی در مصارف صنعتی همواره مورد توجه مردم ایران بوده است. عنوان مازاری که در فرهنگ لغات به مفهوم کلی عطار و داروفروش اطلاق می‌شود، در شهر یزد صرفاً به پیشه‌ای داده شد که به کار ساختن و پرداختن حنای آماده‌ی استفاده، و سپس رنگ (یا وسمه) روناس و دیگر موادی از این دست می‌پردازد. در این مقاله چگونگی کشت و پرورش گیاهان صنعتی و دارویی همچون حنا و روناس توضیح داده شده است و سوابق پیشه‌ی مازاری و سیر تحول آن، ابزار و وسایل کار و ساختمان کارگاه‌های مازاری تشریح شده است.

۵- جانب‌اللهی، محمدسعید. فنون کوچ نشینان بلوچ در سازگاری با محیط زیست. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۶۷، صص ۱۴۸-۱۲۳.

بلوچ‌های سراوان برای جبران فقر طبیعت، خود را با شرایط محیط سازگار کرده‌اند و علاوه بر مراتع فقیر از دو پدیده‌ی موجود پیرامون برای تأمین نیازهای خویش نهایت استفاده را می‌برند. این دو پدیده، یکی نخلستان و دیگری جنگل‌های نخل وحشی است.

در بحبوحه‌ی فصل تابستان که زمان خرما پزان، است بلوچ‌ها، دام‌ها را به چوپان سپرده، همراه خانواده به سوی نخلستان‌ها حرکت می‌کنند. آن‌ها در این زمان به جمع‌آوری خرما در نخلستان‌های خود و یا دیگران می‌پردازند و مقداری از خرماهایی که باد از روی نخل‌ها به زمین می‌ریزد را برای صرف دام خود جمع‌آوری می‌کنند. عشایر بلوچ همچنین از گیاه «داز» (نخل زینتی) نیز استفاده‌های فراوانی می‌کنند. گیاه داز نقش شگرفی در زندگی عشایر این منطقه دارد. بلوچ‌ها از داز هم ابزار کار می‌سازد، هم مفرش، هم سرپناه، و میوه‌ی داز خوراک مناسبی برای دام او می‌باشد.

۶- جانب‌اللهی، محمدسعید. فن‌آوری‌های تولید و مصرف انار در میبد. نمایه پژوهش، سال سوم، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۴۸-۵۸. ایران از نظر کشت، سطح کشت تجاری، مرغوبیت ارقام و میزان تولید انار در شرایط فعلی، مرتبه اول را در جهان دارد. مناطق اصلی کشت انار در ایران، در حاشیه‌ی کویر و عمدتاً در استان‌های اصفهان، یزد، فارس، خراسان، مرکزی، سمنان و کرمان است در ایران ۱۴۵ گونه‌ی انار موجود است که در میان ارقام مورد کشت، به راحتی می‌توان درختانی را یافت که متوسط وزن یک عدد میوه‌ی آن‌ها حتی بیش از ۵۰۰ گرم است. از بین مناطق یاد شده، شهرت انار یزد بیشتر است.

در بین مراکز کشت و تولید انار در استان یزد، شهرستان‌های میبد، تفت، مهریز و

عقد از شهرت ویژه‌ی برخوردار است. در این مقاله به فن آوری تولید و مصرف انار در میند از جمله چگونگی ساختن باغ و باغسازی، انتخاب زمین، مذاکره با مالکین زمین‌های اطراف به منظور دیوارکشی و ایجاد حصار در اطراف باغ، آماده‌سازی زمین برای کشت درخت، آبیاری، معرفی ارقام انار میند، اصلاح نژاد، آفات انار، هرس، برداشت انار، نگهداری انار (انبار کردن)، شیوه‌های مصرف کردن و محصولات تولیدی از انار، فرآورده‌های جنبی انار و باورها و فرهنگ مردم در مورد انار پرداخته شده است.

۷- شاه‌حسینی، علیرضا. میخ طلا یا گردو؛ دانش‌های بومی باغ‌داران شه‌میرزاد درباره‌ی گردو. فرهنگ قومس، شماره‌ی ۲۳ و ۲۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، صص ۹۰-۱۱۸

گردو یکی از محصولات مهم باغی است که اقتصاد بسیاری از شهرها و روستاهای شمال استان سمنان از جمله شه‌میرزاد بر پایه‌ی آن قرار دارد.

شهر زیبا و ییلاقی شه‌میرزاد از این حیث دارای مقام و مرتبه‌ی خاص است و بزرگ‌ترین باغ گردوی جهان با وسعت ۷۰۰ هکتار با سهام کلیه‌ی شه‌میرزادی‌ها در شمال شرق این شهر احداث شده است. این مقاله به دانش‌های بومی مربوط به این درخت و میوه‌ی آن پرداخته است و مسائلی همچون چگونگی کاشت، قراردادهای برداشت (چیدن گردو)، قانون دری‌زا (تقسیم محصول درختانی که در کوچه‌های بن‌بست قرار دارند)، شمارش گردو، اوزورگ (استفاده از برگ درختان گردو

به

عنوان علوفه دام)، نحوه‌ی تولید کود از برگ درخت، روش‌های سنتی حفاظت از درخت در برابر آفات و بارور کردن درختان کم حاصل و تهیه‌ی انواع غذاها از گرد مورد بررسی قرار گرفته است. در انتهای مقاله نیز فرهنگنامه‌ی گردو به زبان محلی شه‌میرزادی آمده است.

۸- شعبانی، علی. داز، لولای انسان عشایری و طبیعت. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب دوره جدید، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸، صص ۹۵-۱۰۹.

داز، درختچه‌ای از تیره‌ی نخلیان است که در منطقه‌ی بلوچستان به صورت انبوه می‌روید. وجود داز در این مناطق موهبتی بزرگ در زندگی اهالی است. پیوند انسان و داز و حضور داز در گردش روزمره‌ی حیات روستایی و عشایری، عمیق، فراگیر، مداوم و ناگسستنی است. از قوت و غذای انسان و دام، ابزار کار، لوازم و اثاثیه‌ی زندگی، پوشاک، صنایع دستی و تزیینی و هنری گرفته تا سجاده و سبحة و ابزار حساب و ذکر و.. کاربرد دارد.

تلاش معاش و تأمین ابزار مورد نیاز زندگی با توجه به شرایط موجود و منابع در اختیار، انسان را به بهره‌گیری هر چه بیشتر از امکانات در دسترس واداشته و لاجرم تفکر انسان را در چگونگی بهره‌گیری از این امکان به اشکال مختلف و متناسب با نیاز شکوفا کرده است.

۹- عبدالله گروسی، عباس؛ وره‌رام، فرهاد. باغ‌های زیرزمینی انگور در بوشهر، جلوه‌ای از فناوری و دانش بومی. زیتون، ش ۱۴۸، فروردین و تیر ۱۳۸۰، صص ۴-۱۱.

این مقاله نمونه‌ای از موفقیت دانش بومی در تولید خروارها انگور به صورت دیم و با استفاده از آب باران و خنکای مفاک‌های برکنده در زمین و هوای تفسیده‌ی بوشهر است. نحوه‌ی کاشت و بار آوردن انگور که از موقعیت اقلیمی بوشهر برخاسته است، نمایش‌گویی است از همزیستی با محیط و گذشتن از مرز قیودات و تنگناهای طبیعت. در این روش انگور را در چاه‌هایی می‌کارند که غالباً دهانه‌ی چهارگوش و یا گرد دارد. چاه‌ها را در زمین سنگی کنده‌اند، طول برها (یا قطر) این دهانه‌ها اغلب بین ۱/۵ تا ۲ متر متفاوت است. عمق پوسته‌ی سنگ از ۱/۸۰ تا ۴ متر متغیر است. پس از گذشتن از پوسته سنگی به طبقات خاک رس می‌رسند که در زبان محلی به آن «شل» یا «خاک

چرب» می‌گویند. خاک‌ها را از چاه خارج می‌کنند تا چاه به سطح آب زیرزمینی نزدیک‌تر شود. عمق چاه‌ها بین ۶ تا ۱۸ متر نوسان دارد. هر قدر چاه عمیق‌تر باشد و آب‌خور آن بیشتر، بنه‌ی انگوری که در آن کاشته‌اند، بهتر بر می‌دهد.

آبیاری این درختان نیز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق آب باران انجام می‌گیرد. در این مقاله به شیوه‌ی کاشت، آبیاری، هرس، مشخصات چاه‌های کاشت درخت، مشخصات یک بنه انگور و میزان برداشت محصول پرداخته شده است.

۱۰- عبدالله گروسی، عباس. انگور دیم، یک کشت سنتی در روستاهای اطراف بوشهر. زیتون، شماره‌ی ۱۳، اردیبهشت ۱۳۶۱، صص ۱۸-۲۱.

انگور یکی از فرآورده‌های مهم کشاورزی این سرزمین بوده است و از دیرباز در مناطق بسیاری از ایران، پرورش تاک معمول بوده است. در هر ناحیه‌ای به مناسبت موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، کشاورزان شیوه‌های مختلفی در پرورش این گیاه ابداع کرده‌اند. یکی از این ابداعات، کشت انگور دیم در روستاهای بوشهر است. نحوه‌ی کاشت و بار آوردن انگور در این خطه نمایش‌گویی از هم‌سازی با محیط و تنگناهای طبیعی است.

در این شیوه باغداری، انگور را در چاه‌هایی که غالباً دهانه‌های چهارگوش بزرگی دارد، می‌کارند. بر دهانه‌ی این چاه‌ها حدود ۱/۵ تا ۲ متر و عمق آن بین ۶ تا ۱۸ متر است. هر قدر چاه عمیق‌تر باشد و آب‌خور آن بیشتر، انگور کاشته شده در آن بهتر محصول می‌دهد.

در هر چاه یک درختچه‌ی انگور که حدود ۸ متر درازا دارد، می‌کارند. جوانه‌های درخت را پس از سبز شدن و خروج از چاه به تدریج روی پایه‌های سنگی قرار می‌دهند. این درختان به صورت چتری در روی زمین رشد کرده و محصول می‌دهد.

۱۱- فرهادی، مرتضی. کشت آدوری (خار وابسته) پایه‌ای بالقوه برای انقلاب کشاورزی و جنگلداری در مناطق بیابانی و نیمه بیابانی. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، ۱۳۷۳، صص ۳۴۵-۳۶۳.

تجربیات چند هزار ساله‌ی کشاورزان ایران، کمبود آب و باران، نیاز به کودورزی سالانه و اوضاع نامساعد دیگر سبب شده تا روش‌های بسیار کارآمدی در زمینه‌های زراعی و استفاده از آب‌های زیرزمینی ابداع گردد که یکی از جالب‌ترین و شگفت‌انگیزترین آن‌ها، کشت آدوری (خار وابسته) است. این کشت حد واسط کشت دیم و کشت آبی است زیرا از یک سو مانند کشت دیم به طور مستقیم از آب باران استفاده نمی‌کند و از سوی دیگر به روش‌های معمولی هم آبیاری نمی‌شود. بلکه آبیاری این نوع کشت به کمک انسان و آب و رطوبت ریشه‌ی برخی از خارهای بیابانی صورت می‌گیرد. در این مقاله گیاهان میزبان و میهمان و شیوه‌ی کار به تفصیل ذکر شده است.

این شیوه‌ی کشت تا حدود نیم قرن پیش در بیشتر مناطق کویری و حاشیه‌ی کویر از جمله روستاهای یزد، سیرجان، رفسنجان، کرمان، بردسیر، گرمسار، سمنان، شاهرود، ورامین، قم، کاشان، اردستان، تربت حیدریه، فردوس، خوسف، بجستان و... رواج داشته است.

۱۲- فرهادی، مرتضی. زمینه‌های فرهنگی در منابع طبیعی، جنگل و مرتع، شماره‌ی ۲۵، زمستان ۱۳۷۳، صص ۳۹-۴۴.

یکی از مسائل مهم و اساسی که در جامعه‌ی ما کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است، زمینه‌های فرهنگی مردم در رابطه با موضوع منابع طبیعی است. پیشینیان در جهت حفظ و نگهداری از منابع طبیعی اعم از جنگل، مرتع، منابع آب و خاک و... شیوه‌های منحصر به فرد و جالبی را به کار می‌بردند و باورها و اعتقادات خاصی نسبت

به بعضی از انواع درختان دارند. بسیاری از مردم معتقدند که درختان و درختچه‌ها مأمّن و مأوای فرشتگان و ارواح می‌باشد لذا آزار درختان، نابود کردن و بریدن آن‌ها و مخصوصاً قطع درختان سبز، سبب بیماری و مرگ می‌شود و این باورها و اعتقادات خود به نوعی فرهنگ حفاظت از محیط زیست تبدیل شده بود.

روش‌های دیگری که توسط روستائیان و عشایر در جهت حفاظت از جنگل‌ها و مراتع انجام می‌گیرد، قرق مراتع کودپاشی و بذرپاشی بوده که هر کدام به شیوه‌های خاصی انجام می‌شود.

نویسنده با یادآوری زمینه‌های فرهنگی مردم، خواستار استفاده از توانایی فرهنگی در جهت شناخت یادگیری‌های سنتی و انتقال این مشارکت‌ها به جنگل‌داری و مرتعداری و استفاده از روش‌های بسیار پیشرفته ولیکن ناشناخته‌ی دیم‌کاری و نیمه‌دیم‌کاری درختان و کشت‌های زیست‌شناختی سنتی و کارآمدتر کردن آن‌ها با دستاوردهای علمی و فن‌شناختی شده است.

۱۳- فرهادی، مرتضی. آیا کشاورزی ایرانی بدوی است؟ اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۲۳.

تاریخ علم، بیشتر چالشگری با نظریه‌هایی است که پیش از آن کاملاً بدیهی به نظر می‌رسیده است. بدوی بودن کشاورزی سنتی ایران نیز امری ظاهراً بسیار بدیهی است که باید به بحث گذاشته شود. این مقاله نخست به پیشینه‌ی این نظریه و ادبیات مربوط به آن از حدود چهارصد سال پیش از نظریه ژان شارون تا پطروشفسکی و خانم لمبتون و ولف، تا نظریات پژوهشگران و صاحب‌نظران ایرانی می‌پردازد و سپس با نظریه‌ای بدیل و به کمک دلایل تاریخی و مردم‌شناختی و کشاورزی پایدار و... این نظریه را به نقد می‌کشد و در پایان به فایده‌ی نظری و کاربردی چنین بحث‌هایی پرداخته و یادآور می‌شود که طرح چنین مباحثی به هیچ وجه به معنای بی‌توجهی و حتی کم‌توجهی به دانش غربی به طور عام و دانش کشاورزی صنعتی به طور خاص نیست. بلکه

جداسازی علم کشاورزی نوین از زمره آن دسته تمهیدات و ترفندهایی است که نظام سوداگری غربی می‌کوشد در زیر پوشش آن به اهداف تجارتي خود برسد. فهم پیچیدگی کشاورزی سنتی، پژوهشگران ما را به کنکاش در راهکارها و تجربیات ده هزار ساله‌ی کشاورزی ایران و کشورهای کهن فرهنگی همچون مصر، چین، بین‌النهرین، هند و... علاقه‌مند خواهد کرد و این امیدواری وجود دارد که ما در آینده در زمینه‌ی کشاورزی پایدار و حفظ زیست بوم‌های خود، با دو بال به پرواز در آئیم.

۱۴- شیوه‌های بومی پرورش دام و طیور. ویژه‌نامه مجله مددکار ترویجی (جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان)، ۱۳۸۲، صص ۲۱-۲۶.

پرورش دام در استان سیستان و بلوچستان از قدمتی چند هزار ساله برخوردار بوده و یکی از راه‌های امرار معاش مردمان این خطه بوده است. ذخایر ارزشمندی نظیر نژاد گاو سیستانی، گاو دشتیاری، گوسفند بلوچی، شتر بومی، مرغ خزک و مرغ دشتیاری و... در این منطقه وجود دارد که بومیان با شناسایی توانایی‌های این ذخایر اقدام به اهلی کردن و پرورش آن‌ها نموده‌اند که امروزه از آن‌ها به عنوان بخشی از ذخایر ژنتیکی دامی کشور یاد می‌شود. این مقاله به دانش‌های بومی مردم منطقه در زمینه‌ی شناسایی دام‌ها و تعیین سن آن‌ها، شیوه‌های گزینش و اصلاح نژاد دام و طیور و شیوه‌های بومی مبارزه با بیماری‌های دام و طیور پرداخته است.

۱۵- شیوه‌های بومی فرآورده‌های محصولات کشاورزی و منابع طبیعی، ویژه‌نامه مجله مددکار ترویجی (سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان)، ۱۳۸۲، صص ۲۷-۳۴.

مردم استان سیستان و بلوچستان بخش عمده‌ای از غذاهای خود را از طریق محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی تهیه می‌کنند، که به شیوه‌ی سنتی در منطقه تولید و فرآوری می‌شود. تولید انواع غذاها و نان‌های محلی، تولید فرآورده‌های باغی،

فرآورده‌های دامی و شیلاتی از مهمترین غذاهای بومی مردم منطقه است. همچنین در این مقاله روشهای سنتی نگهداری محصولات کشاورزی و دامی از جمله خشک کردن میوه‌ها، تبدیل شیر دام به سایر محصولات لبنی و قورمه کردن گوشت دام و نگهداری طولانی مدت آن تشریح شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی